

دکتر رابرت ای. پترسون، رستگاری، جلسه ۱

مقدمه

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت پترسون هستم در تدریسش در مورد نجات. این جلسه ۱، مقدمه است.

به دوره ما در مورد نجات، موضوع الهیات کتاب مقدسی فوق‌العاده نجات، خوش آمدید.

بیاید، همانطور که باید، با یک کلمه دعا شروع کنیم. پدر مهربان، از تو سپاسگزارم که پسر را فرستادی تا نجات دهنده ما باشد. از تو سپاسگزارم که روح خود را به قلب‌های ما فرستادی. ای کسی که فریاد می‌زند پدر، پدر، ما را برکت ده، قلب‌های ما را تشویق کن، چشمان ما را به حقایق کلامت باز کن، ما را در زندگی برای تو تشویق کن، ما دعا می‌کنیم، از طریق عیسی مسیح، واسطه. آمین.

نجات، مقدمه.

کتاب مقدس سرشار از آموزه‌های مربوط به رستگاری است. به لطف خدا و ایمان به مسیح، ما هویت جدیدی داریم. ما توسط خدا برگزیده و فراخوانده شده‌ایم.

ما از نشاط معنوی، پیوستن به مسیح و دریافت حیات تازه برخورداریم. ما به توبه، بازگشت از گناه و اعتماد به مسیح، ایمان، ایمان داریم. ما به خاطر مسیح، توسط خدا پذیرفته شده و عادل شمرده می‌شویم.

ما به عنوان پسران و دختران خدا به فرزندی پذیرفته شده‌ایم. ما مقدسینی هستیم که به انسان‌های مقدس تبدیل می‌شویم. ما از جلالی به جلال دیگر تغییر می‌کنیم.

نجات، نحوه ارتباط و دیدگاه ما را نسبت به خدا، خودمان، دیگر مؤمنان و کسانی که مسیح را نمی‌شناسند، در هر دو عهد عتیق و جدید رایج rescue و اسم save تغییر می‌دهد. کلمات کتاب مقدس برای نجات. فعل هستند.

است. اسم sozo و فعل یونانی yasha در نسخه‌های انگلیسی اغلب ترجمه‌ی کلمه‌ی عبری save فعل گرفته شده است. در یونانی اسم pleta و گاهی teshuwa، yeshua معمولاً از اسم‌های عبری rescue soteria مشتق شده است از soter از savior را می‌بینیم، در حالی که

حفظ فیزیکی یکی از معانی این اسم‌ها و افعالی است که از نجات صحبت می‌کنند. اغلب، اصطلاحات مختلفی که به عنوان نجات و رستگاری ترجمه می‌شوند، به رهایی فیزیکی اشاره دارند. فرشتگان به لوط می‌گویند که برای نجات جان خود، سدوم را ترک کند، پیدایش ۱۹:۷. در اشعیا خداوند متعهد می‌شود که اورشلیم را از دست آشوریان نجات دهد، اشعیا ۳۱:۵. در عهد جدید نیز همین‌طور است.

شاگردان از عیسی التماس می‌کنند که آنها را از مرگ نجات دهد، هنگامی که طوفانی آنها را در دریای جلیل در بر می‌گیرد، متی ۸:۲۵. زنی که دست خود را دراز می‌کند و ردای عیسی را لمس می‌کند، از بیماری جسمی خود رهایی می‌یابد، متی ۹:۲۱. اسم نجات همچنین به معنای رهایی جسمی است. خداوند با شکافتن دریا، اسرائیل را نجات می‌دهد و رهایی می‌دهد تا بتوانند روی خشکی راه بروند، اما مصریان را هنگام ورود به دریا نابود می‌کند. خروج ۱۴:۱۳. اشاره رایج عهد عتیق به رهایی جسمی در عهد جدید کمتر رایج است. پولس به کسانی که در

، کشتی با او در طول طوفان هستند اطمینان می‌دهد که هر اتفاقی برای نجات و حفظ جسمی آنها خواهد بود، اعمال رسولان ۲۷:۳۴. من اکنون به آیات زیادی اشاره می‌کنم.

ما قرار نیست این آیات را مطالعه کنیم. من فقط به آنها اشاره می‌کنم تا در صورت تمایل به گوش دادن به پیام‌ها، سخنرانی‌ها یا هر چیز دیگری، به آنها مراجعه کنید. اما ما نمی‌توانیم به هر مرجعی مراجعه کنیم. رستگاری معنوی.

تا اینجا، گفتیم که کلمات کتاب مقدس برای نجات در هر دو عهد معمولاً از رهایی فیزیکی صحبت می‌کنند، اما همچنین از رهایی معنوی با تأکید بر رهایی فیزیکی در عهد قدیم و رهایی معنوی در عهد جدید. اکثر متون عهد عتیق که از این اصطلاحات استفاده می‌کنند به رهایی فیزیکی اشاره دارند، در حالی که برخی نیز از نجات معنوی صحبت می‌کنند، اما عهد جدید اغلب ایده نجات معنوی را ارائه می‌دهد. به عنوان مثال، این در اعمال رسولان ۴:۲۲ رخ می‌دهد، جایی که پطرس در مورد عیسی مسیح اعلام می‌کند که در هیچ کس دیگری نجات وجود ندارد.

اعمال رسولان ۴:۲۲. پطرس و پولس اعلام می‌کنند که رستگاری برای هر کسی که ایمان بیاورد، چه یهودی و چه غیریهودی، در دسترس است، رومیان ۱:۱۶. زن گناهکاری که اشک‌هایش پاهای عیسی را شست و آنها را با موهایش پاک کرد، به واسطه ایمانش نجات یافت و از گناهانش بخشیده شد، لوقا ۷:۵۰. مؤمنان نیز نجات می‌یابند و به واسطه خون عیسی از نظر روحانی نجات می‌یابند، رومیان ۵:۹. و رستاخیز او، آیه ۱۰. عبرانیان اعلام می‌کند که عیسی به عنوان کاهن ملک‌یصددی ما، نقل قول، قادر است کسانی را که از طریق او به سوی خدا می‌آیند، به طور کامل نجات دهد، عبرانیان ۷:۲۵. خدا به عنوان نجات‌دهنده. استفاده از کلمه نجات‌دهنده برای خدا و مسیح در عهد جدید در رساله‌های شبانی برجسته است، جایی که پولس ده بار از خدا به عنوان نجات‌دهنده یاد می‌کند در حالی که این اصطلاح را فقط دو بار در جای دیگر در همین رابطه به کار می‌برد، افسسیان ۵:۲۳، فیلیپیان ۳:۲۰. شش بار در رساله‌های شبانی، خدا به عنوان نجات‌دهنده معرفی شده است.

اول تیموتائوس ۱:۱، ۲:۳، ۴:۱۰، تیطوس ۱:۳، ۲:۱۰، ۳:۴. و چهار بار، عیسی مسیح نجات‌دهنده نامیده شده است. دوم تیموتائوس ۱:۱۰، تیطوس ۱:۴، ۲:۱۳، ۳:۶. هر بار، نام عیسی استفاده شده است بنابراین، عبارت کلی نجات‌دهنده در شبانان به پدر اشاره دارد.

و عبارت «عیسی مسیح، ناجی ما» یا چیزی شبیه به آن، به پسر اشاره دارد. با این حال، هر دوی این کاربردها به وضوح نشان می‌دهند که هر دو خدا هستند. آنها الوهیت مشترکی دارند.

پولس در تیطوس ۲:۳، در همان زمینه‌ای که می‌گوید خدا می‌خواهد همه نجات یابند، بر نقش خدا به عنوان نجات‌دهنده تأکید می‌کند. متاسفم، اول تیموتائوس ۲:۳. یادداشت‌های من اشتباه است. و برای رسیدن به شناخت حقیقت، اول تیموتائوس ۲:۴. خدا به عنوان نجات‌دهنده در شبانان با اشتیاق او برای نجات همه مرتبط است، و این تدبیر عیسی است که این را برای هر کسی که ایمان می‌آورد، به واقعیت تبدیل کند.

زمان نجات. اینکه نجات را متمرکز بر گذشته بدانیم، مناسب است، اما نجات غنی‌تر از این است. در واقع، ما باید هر جنبه‌ای از نجات بزرگ خود را به عنوان امری آخرالزمانی، مربوط به روزهای آخر، در نظر بگیریم، زیرا آخرالزمان در عیسی مسیح فرا رسیده است.

پولس به قرن‌تین می‌گوید که، نقل قول از اول قرن‌تین ۱۰:۱۱، پایان اعصار فرا رسیده است. عبرانیان تأیید می‌کند که در این روزهای آخر، خدا توسط پسرش با ما صحبت کرده است، عبرانیان ۱:۲. کلمه نجات به این معنی است که ما نجات یافته یا رهایی یافته‌ایم، و این مفهوم به کلمات نجات‌دهنده، نجات‌دهنده و رستگاری

محدود نمی‌شود. به عنوان مثال، پولس در مورد رستگاری صحبت می‌کند وقتی می‌گوید، نقل قول از عیسی خود را برای ما، گناهان ما، فدا کرد تا ما را از این عصر شیطانی کنونی نجات دهد، غلاطیان ۱:۴. یکی از ویژگی‌های آخرالزمان‌شناسی عهد جدید، ویژگی کار رهایی‌بخش خدا است که از قبل وجود داشته اما هنوز به پایان نرسیده است. زمان‌های آخر آغاز شده‌اند اما هنوز به پایان نرسیده‌اند.

بنابراین حتی وقتی از رستگاری به عنوان یک رویداد گذشته صحبت می‌شود، هنوز یک واقعیت آخرالزمانی است. زیرا ما دوباره در روزهای آخر زندگی می‌کنیم. عیسی روزهای آخر را آورد.

و این کار خودمان نیست، ببخشید، آخرالزمان آغاز شده اما هنوز به کمال نرسیده است. بنابراین حتی وقتی از رستگاری به عنوان یک رویداد گذشته صحبت می‌شود، هنوز یک واقعیت آخرالزمانی است. عیسی مسیح پیش از این مؤمنان را از گناهانشان نجات داده است، نقل قول می‌کنم، شما به لطف و از طریق ایمان نجات یافته‌اید.

و این کار خودت نیست، و این هدیه خداست، افسسیان ۲:۸. برخی متون از مؤمنانی صحبت می‌کنند که در حال نجات یافتن هستند. کلمه صلیب برای کسانی که در حال هلاکت هستند حماقت است، اما برای ما که در حال نجات هستیم قدرت خداست، اول قرنتیان ۱:۱۸. فعل نجات یافته استمراری است. زیرا پولس کسانی را که در حال نجات هستند با کسانی که در حال هلاکت هستند مقایسه می‌کند.

با دوم قرنتیان ۲:۱۵ مقایسه کنید. نجات نه تنها در گذشته و حال، بلکه در آینده نیز وجود دارد. ماهیت آخرالزمانی عادل‌شمردگی در اولین نامه پولس آشکار است، جایی که او از عیسی صحبت می‌کند، کسی که ما را از خشم آینده نجات می‌دهد. با اول تسالونیکیان ۱:۱۰ مقایسه کنید. با ۵:۹ مقایسه کنید. پولس ایده مشابهی را در رومیان ۵:۹، نقل قول، به اشتراک می‌گذارد، چقدر بیشتر از آنجایی که اکنون به خون او عادل شمرده شده‌ایم، به وسیله او از خشم نجات خواهیم یافت؟ با آیه ۱۰ مقایسه کنید.

همانطور که عبرانیان ۹:۲۸ می‌گوید، مسیح، نقل قول، بار دیگر ظاهر خواهد شد تا نجات را برای کسانی که منتظر او هستند، به ارمغان بیاورد. مکاشفه ۱۲:۱۰ را مقایسه کنید. پطرس نیز نجات را امری آخرالزمانی می‌داند، زیرا از نجاتی سخن می‌گوید که آماده است در زمان آخر آشکار شود. اول پطرس ۱:۵. ما به برخی تأملات تفسیری اولیه می‌پردازیم که صرفاً برای جلب توجه ما طراحی شده‌اند.

کتاب مقدس این حقیقت را که رستگاری از جانب خداوند است، برجسته می‌کند. یونس به طرز مشهوری این مضمون را در درون ماهی بزرگ همه جا خلاصه می‌کند. نقل قول، رستگاری از آن خداوند است.

یونس ۲:۹. مزمورنویس فریاد می‌زند، نقل قول کنید، خداوند نور و نجات من است. از چه کسی باید بترسم؟ مزمور ۲۷:۱. رستگاری فقط در خداوند یافت می‌شود و انسان‌ها می‌توانند آن را به دست آورند، اما باید کاملاً به خدا متکی باشند. وقتی ارتش مصر در دریای سرخ به سمت اسرائیل هجوم آورد، موسی اسرائیل را به نبرد فرا نخواند.

بلکه، او فریاد زد، نقل قول کنید، محکم بایستید و نجات خداوند را که امروز برای شما به انجام خواهد رساند، ببینید. خروج ۱۴:۱۳. عهد عتیق مملو از قوم خداست که از او می‌خواهند آنها را نجات دهد، زیرا آنها می‌دانند که هیچ‌کمی در هیچ جای دیگری وجود ندارد. به عنوان مثال، مزمور ۲۲:۲۱، مزمور ۲۸:۹، ۳۱:۱ و مزمور ۸۰ و آیه ۷. این مضمون در عهد جدید نیز آمده است، ۵۴:۱۴، ۱۶،

نقل قول، پسر انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات دهد. لوقا ۱۰:۱۹. امید به رهایی روحانی نه از انسان‌ها، بلکه از خداست که مردم را برای نجات برمی‌گزیند. دوم تسالونیکیان ۱:۲. دوم تیموتائوس ۲:۹ و ۱۰. را مقایسه کنید.

، نجات از جانب خداوند است و به دلیل گناهان ما، انسان‌ها نمی‌توانند آن را به دست آورند. و بدین ترتیب فیض خدا می‌درخشد، هنگامی که، نقل قول از: مسیح عیسی به جهان می‌آید تا گناهکاران را نجات دهد. اول تیموتائوس ۱:۱۵. از طریق مرگ و رستخیز او.

، این نجات بزرگ محدود به یهودیان نیست، بلکه شامل همه مردم در همه جا می‌شود. اشعیا ۴۵:۲۲، ۴۹:۶ اعمال رسولان ۲۸:۲۸. هر دو عهد اعلام می‌کنند، نقل قول می‌کنند، هر کسی که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. یوئیل ۲:۳۲. اعمال رسولان ۲:۲۱، رومیان ۱۰:۱۳ را مقایسه کنید که این اشاره را از یوئیل نقل می‌کنند.

با این تفاوت که اکنون، خداوند، به جای خدای عمومی اسرائیل، خداوند عیسی مسیح است. رستگاری به معنای اعتراف به خداوند بودن عیسی و ایمان به این است که خدا او را از مردگان برخیزانید. رومیان ۱۰:۹ و ۱۰.

ایمان نجات‌بخش شامل توبه است. دوم قرن‌تین ۷:۱۰. زیرا بدون تغییر در زندگی، ایمان حقیقی وجود ندارد. این دگرگونی شامل پشتکار است.

زیرا عیسی می‌گوید، نقل قول، کسی که تا به آخر پایدار بماند، نجات خواهد یافت. متی ۱۰:۲۲. در واقع، اگر مردم از ادامه ایمان خودداری کنند، نجات نخواهند یافت. عبرانیان ۲:۳ و ۱۰:۳۹. ایمان نجات‌بخش، اعمال نیک به بار می‌آورد، یعقوب ۲:۱۴، که اساس نجات نیستند، بلکه ثمره ضروری آن هستند.

ما به بخش دیگری، بخش دوم مقدمه خود بر آموزه‌های نجات، یعنی نجات و داستان کتاب مقدس، می‌رویم. این یک مرور کلی الهیاتی کتاب مقدسی از نجات از خلقت تا انتها است. و البته، سرفصل‌های آشنا عبارتند از خلقت، سقوط، رستگاری، و کمال.

اول، خلقت. در ابتدا، نقل قول، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید، پیدایش ۱:۱. خدای ابدی و قائم به ذات جهان و هر آنچه را که وجود دارد، پیش از ماده، فضا یا زمان، خلق می‌کند. بروس والتکه پیدایش ۱:۱ تا ۲:۳، را معرفی می‌کند. نقل قول، روایت خلقت، ارائه‌ای بسیار پیچیده است که برای تأکید بر والایی، قدرت عظمت و حکمت خدای خالق و پایه‌گذاری جهان‌بینی جامع‌هی عهد، طراحی شده است.

نقل قول نزدیک. از سفر پیدایش، تفسیری از او. به عنوان شخصیت اصلی در پیدایش ۱، خدا، نقل قول می‌کند، می‌آفریند، می‌گوید، می‌بیند، جدا می‌کند، نام‌گذاری می‌کند، می‌سازد، منصوب می‌کند، برکت می‌دهد، تمام می‌کند، مقدس می‌کند و آرام می‌گیرد.

، کالینز، پیدایش ۱ تا ۴، تفسیری زبانی، ادبی و الهیاتی. به جان کالینز مراجعه کنید. خدا آسمان، خورشید، ماه، آب، درختان، حیوانات یا هر چیز دیگری که خلق شده باشد، نیست.

خداوند آنها را می‌آفریند و آنها مطیع او هستند. خلقت نه خدا است و نه جزئی از خدا. او مطلق است و وجود مستقلی دارد، در حالی که خلقت، هستی خود را از او گرفته و پیوسته به عنوان نگهدارنده خود به او وابسته است.

با اعمال رسولان ۱۷:۲۵ تا ۲۸ مقایسه کنید. خالق متعال، حاکمی با اقتدار و قدرت شگفت‌انگیز است. او مانند یک پادشاه، با کلام خود بر اراده‌اش تأثیر می‌گذارد و چیزها را از نیستی به هستی می‌آورد.

پیدایش ۱:۳، عبرانیان ۱۱:۳. او همچنین با فراخواندن و نامگذاری چیزهایی که آفریده است، اقتدار خود را بر تمام آفرینش نشان می‌دهد. پیدایش ۱:۵ و آیات بعدی. خالق متعال و حاکم، شخصی نیز هست.

در هر روز از خلقت، خداوند شخصاً در تک تک جزئیات دخیل است و جهان خود را به گونه‌ای می‌سازد که او را خشنود و به مخلوقاتش سود برساند. به طرز چشمگیری، در روز ششم، او شخصاً انسان را به تصویر خود می‌آفریند، در او زندگی می‌دمد و آنها را مرد و زن می‌سازد. خدای شخصی، انسان‌ها را نیز شخصی آفریده است، با توانایی ارتباط با او، زندگی در اجتماع و تسلط بر خلقت.

همانطور که دی. ای. کارسون یادآوری می‌کند، به ما کرامتی شگفت‌انگیز عطا شده و ظرفیتی عمیق برای شناخت عمیق خدا در ما نهاده شده است، نقل قول نزدیک. کارسون، دهان‌بند زدن به خدا. خدا با آفریدن ما به صورت خود، ما را از بقیه آفرینش متمایز می‌کند و ثابت می‌کند که او از ما متمایز است.

ما خدا نیستیم، بلکه موجوداتی هستیم که به تصویر او ساخته شده‌ایم. خدا نیز نیکوست، که این نیکویی در نیکویی آفرینش او منعکس شده و در تکرار مداوم تقویت می‌شود، و خدا دید که نیکوست. پیدایش ۱:۴، ۱۰، ۱۲، ۲۵، ۲۱، ۱۸، ۱۲.

در روز ششم، آفرینش حتی به عنوان بسیار نیکو توصیف شده است، آیه ۳۱. نیکویی ذاتی آفرینش جایی برای دوگانگی اساسی بین روح و ماده باقی نمی‌گذارد، به طوری که روح نیکو و ماده شر باشد. در واقع، آفرینش مادی، نیکویی خداوند را منعکس می‌کند، که این نیکویی در فراهم کردن سخاوتمندانه نور، زمین، پوشش گیاهی، حیوانات و موجودات خزنده نیز مشهود است.

اینها نعمت‌هایی هستند که برای منفعت بشریت داده شده‌اند، همانطور که توانایی ارتباط با خدا، باروری برای تولید مثل و اختیار برای استفاده از ذخایر فراوان زمین برای خیر انسان نیز همینطور است. اگرچه خلقت در خلقت انسان به تصویر خدا به اوج خود می‌رسد، پیدایش ۱:۱ تا ۲:۳ در آرامش خدا به اوج خود می‌رسد. تا روز هفتم، خدا کار خلاقانه خود را به پایان می‌رساند، استراحت می‌کند، آن روز را متبرک و تقدیس می‌کند. همانطور که روز سبت باید مقدس نگه داشته شود.

با انجام این کار، خداوند شادی و رضایت خود را در خلقت و جشن تکمیل خود نشان می‌دهد و این رویداد ویژه را گرامی می‌دارد. خداوند باغی را فراهم می‌کند که مرد و زن می‌توانند در آن زندگی و کار کنند. به نقل از قرآن، خداوند مرد را شکل می‌دهد، باغ را می‌کارد، مرد را به آنجا و مرد را به آنجا منتقل می‌کند، شرایط رابطه با مرد را تعیین می‌کند و به دنبال یآوری مناسب برای او می‌گردد که در زن به اوج خود می‌رسد.

باز هم، کالینز، پیدایش ۱ تا ۴. انسان از خاک زمین آفریده شده است، اما چیزی بیش از خاک است. زندگی او مستقیماً از همان دم خدا سرچشمه می‌گیرد، پیدایش ۲:۷. خالق و پروردگار عهد، با کاشتن باغ و انتقال انسان به آنجا، فضایی لذت‌بخش و مقدس فراهم می‌کند که در آن انسان‌ها می‌توانند از رابطه‌ای هماهنگ با او یکدیگر، حیوانات و زمین لذت ببرند. والتکه مشاهده می‌کند که باغ عدن یک باغ معبد است که بعداً در خیمه مقدس نمایان می‌شود.

والتکه، تفسیر سفر پیدایش، صفحه ۸۵. به این ترتیب، باغ، حضور خدا را در کنار انسان برجسته می‌کند بنابراین، خدا آدم و حوا را به تصویر خود به عنوان موجوداتی نیکو، با امتیازات شگفت‌انگیز و مسئولیت‌های مهم در باغ عدن آفرید.

آنها رابطه‌ای بدون مانع با خدا، لذت صمیمانه از یکدیگر و اقتدار تفویض شده بر خلقت را تجربه می‌کنند. خداوند شرایط زندگی در حضور خود را تعیین می‌کند و از روی لطف تنها یک ممنوعیت را مطرح می‌کند. آنها نباید از درخت معرفت خیر و شر بخورند.

سقوط. خلقت، حالا سقوط. آدم و حوا احمقانه از فرمان خدا اطاعت نمی‌کنند، بلکه سقوط می‌کنند. پیدایش ۳. این روایت با وسوسه‌گری آغاز می‌شود که صداقت، حاکمیت و نیکی خدا را زیر سوال می‌برد.

وسوسه‌گر حيله‌گر است و توجه زن را از رابطه‌ی پیمانی که خدا برقرار کرده است، منحرف می‌کند. در آیات ۸ تا ۸، موضوع اصلی داستان سقوط به اوج خود می‌رسد. توالی سرنوشت‌ساز به سرعت در ۳:۶ توصیف ۶ می‌شود. او دید، گرفت، خورد و داد، که در «او خورد» به اوج خود می‌رسد.

در میانه آیات ۶ تا ۸ مشاهده می‌شود که «او می‌خورد»، فعل کلیدی روایت، یعنی «خوردن» را به کار می‌برد و در میان انتظارات اغراق‌آمیز زن از خوردن قرار می‌گیرد. میوه برای خوردن خوب است، چشم‌نواز است و بینشی نسبت به اثرات واقعی آن ارائه می‌دهد. چشمان آنها باز می‌شود. آنها می‌دانند که برهنه هستند و در درختان پنهان می‌شوند.

تضاد قابل توجه است. میوه ممنوعه آنچه را که وسوسه‌گر وعده داده است، محقق نمی‌کند، بلکه واقعیت‌های تاریک جدیدی را به ارمغان می‌آورد که توسط خداوند عهد نیک و راستگو هشدار داده شده است. این عمل اولیه‌ی شورش انسان، عدالت الهی را به ارمغان می‌آورد.

نقل قول، آنها با خوردن گناه کردند و بنابراین از خوردن رنج بردند. او شوهرش را به گناه سوق داد و بنابراین توسط او مغلوب شد. آنها با نافرمانی خود درد را به جهان آوردند و بنابراین در زندگی خود رنج دردناکی متحمل شدند.

راس، خلقت و برکت. صفحه ۱۴۸. عواقب گناه آنها شایسته و ویرانگر است.

این زوج بلافاصله احساس شرم می‌کنند و متوجه می‌شوند که برهنه هستند ۳-۷. آنها احساس می‌کنند که از جانب خدا منع شده‌اند، حتی احمقانه سعی می‌کنند از او پنهان شوند.

آیات ۸ تا ۱۰. آنها از خدا و واکنش احتمالی او می‌ترسند. آیات ۹ و ۱۰.

بیگانگی آنها از یکدیگر همچنین زمانی آشکار می‌شود که زن مار را سرزنش می‌کند، در حالی که مرد زن و به طور تلویحی، حتی خدا را سرزنش می‌کند. آیات ۱۰ و ۱۱. ببخشید، ۱۰ تا ۱۳.

درد و اندوه نیز به دنبال آن می‌آیند. زن در هنگام زایمان درد بیشتری را تجربه می‌کند. مرد در تلاش برای پرورش غذا در زمینی پر از آفت و علف‌های هرز، رنج می‌برد.

هر دو در روابط خود ناهماهنگی را کشف می‌کنند. رابطه. آیات ۱۵ و ۱۹.

حتی بدتر از آن، این زوج از عدن و از حضور باشکوه خدا تبعید می‌شوند. آیات ۲۲ تا ۲۴. چقدر آنها آرزو می‌کردند که ای کاش به هشدار خدا گوش داده بودند.

اگر از درخت شناخت نیک و بد بخورید، قطعاً خواهید مرد. ۲:۱۷. پس از خوردن میوه ممنوعه، آنها بلافاصله نمی‌افتند و بر اثر چیزی مانند ایست قلبی نمی‌میرند، اما می‌میرند.

آنها از نظر روحی می‌میرند و بدن‌هایشان نیز شروع به زوال تدریجی می‌کند که در نهایت به مرگ جسمی آنها منجر می‌شود. پیدایش ۳:۱۹. ویرانگرترین چیز این است که این عواقب نه تنها دامن آدم و حوا را می‌گیرد، بلکه به فرزندان آنها نیز سرایت می‌کند.

گناه وارد صحنه شده و در هر رابطه انسانی با خدا، خود، یکدیگر و خلقت، اختلال و بیگانگی ایجاد کرده است. زمینه و خط داستانی مستقیم پیدایش ۴-۱۱، فصل‌های ۴-۱۱ پیدایش، این واقعیت جدید و تاریک را برجسته می‌کند. در ۴:۷، خدا به قابیل هشدار می‌دهد که گناه در کمین است و اشتیاق آن برای توست، اما تو برجسته می‌کنی. باید بر آن مسلط شوی.

متأسفانه، قابیل از گوش دادن به نصیحت خودداری می‌کند و برادرش هابیل را می‌کشد. در نتیجه، قابیل مورد لعن خدا قرار می‌گیرد، از زمین طرد می‌شود و از حضور خدا رانده می‌شود. آیات ۱۰-۱۶.

پیدایش ۵ به ما یادآوری می‌کند که خداوند انسان‌ها را به تصویر خود آفریده و آنها را برکت داده است. این فصل با ذکر خون و نوح امید می‌دهد، اما با این تکرار که او هشت بار مرد، به طور هوشیارانه بر قلمرو مرگ تأکید می‌کند. پیدایش ۶ گسترش و تشدید گناه را روشن می‌کند، گناهی که به عنوان گناهی عظیم، فراگیر مداوم و مشخص به تصویر کشیده شده است.

پیدایش ۶، گناه عظیم، فراگیر، مداوم و از ویژگی‌های بارز است. پیدایش ۶: ۵-۱۱، خداوند با لطف خود عهدی با نوح برقرار می‌کند و بشریت را با سیل به طور شایسته داوری می‌کند. پیدایش ۶-۹، پس از سیل، خداوند بر نعمت‌ها و فرمان‌های آفرینش تأکید می‌کند و وعده‌ای برای عهد ارائه می‌دهد.

سپس پیدایش تاریخ برج بابل را بازگو می‌کند، جایی که خدا انسان‌های مغرور و خودخواه را که به ۱۷-۹: ۱، جای خدمت به عنوان حاملان تصویر خدا و پیشبرد نام او، سعی در کسب شهرت و افزایش نفوذ خود دارند، داوری می‌کند. پیدایش ۱۱: ۱-۹.

خلقت، سقوط و رستگاری در ادامه می‌آیند. بار دیگر، ما در حال بررسی اجمالی الهیات کتاب مقدس هستیم، استفاده می‌کنم، اما ترجمه اصلی، کتاب مقدس NIV و ESV و باید قبلاً اشاره می‌کردم که من گاهی اوقات از استاندارد مسیحی است. رستگاری.

خوشبختانه، خداوند بشریت را به خاطر چنین خیانت کیهانی به طور کامل ریشه کن نمی‌کند، بلکه با لطف خود، یک پروژه بازسازی را آغاز می‌کند. او فرآیند رستگاری بشریت و کیهان را آغاز می‌کند، به ویژه بازگرداندن انسان‌ها به عنوان حاملان کامل تصویر تا بتوانیم در جلال، هویت و مأموریتی که تمام مدت آرزویش را داشته‌ایم، شرکت کنیم و آن را منعکس کنیم. خداوند ابراهیم را از خانواده‌ای بت‌پرست فرا می‌خواند و با او پیمان می‌بندد و قول می‌دهد که برای او و فرزندان او باشد.

پیدایش ۱۲: ۱-۳ و ۱۷: ۷. خدا وعده می‌دهد که به ابراهیم سرزمینی بدهد تا او را به ملتی بزرگ تبدیل کند و از طریق او همه مردم را برکت دهد. ۱۲:۳.

استفاده از ابراهیم به جای فقط ابرام به این دلیل است که همانطور که می‌دانید، خدا نام او را به ابراهیم تغییر داد. از ابراهیم، اسحاق و یعقوب به وجود می‌آیند که خدا نامشان را به اسرائیل تغییر داد. یعقوب، اسرائیل می‌شود و خدا از او ۱۲ قبیله از قوم خود را به وجود می‌آورد.

بقیه عهد عتیق مربوط به تعامل خدا با ۱۲ قبیله اسرائیل است. یعنی یعقوب، پسر اسحاق، پسر ابراهیم. از طریق موسی، بلاهای بزرگ و یک خروج چشمگیر، خدا اسرائیل را از بندگی مصر فرا می‌خواند تا قوم او باشند.

او ده فرمان را به آنها می‌دهد، قول می‌دهد که خدای آنها باشد و آنها را از آن خود می‌داند. او قول می‌دهد که با آنها باشد و سرزمین موعود را به آنها می‌دهد، سرزمینی که آنها پس از شکست دادن کنعانیان، تحت رهبری یوشع اشغال می‌کنند. پس از مرگ یوشع، داورانی مانند جدعون، دبورا و سامسون رهبران قوم می‌شوند.

تاریخ تکرار می‌شود، نسلی پس از نسل دیگر صلح را تجربه می‌کند، سپس شورش می‌کند، سپس داوری خدا را دریافت می‌کند، سپس به درگاه خدا فریاد می‌زند و سپس دوباره صلح را تجربه می‌کند. خدا به قوم خود پادشاهی می‌دهد، ابتدا شائول، سپس داوود و سپس سلیمان. تحت فرمان داوود، مردی که مطابق میل خدا بود، پادشاهی به طور قابل توجهی رشد می‌کند.

اورشلیم پایتخت می‌شود و خدا عهد و پیمان خود را با قومش تجدید می‌کند. خدا وعده می‌دهد که نسل داوود را، به یک سلسله تبدیل کند و تاج و تخت یکی از آنها را برای همیشه برقرار سازد. خدا از سلیمان، پسر داوود برای ساختن معبدی استفاده می‌کند که در آن حضور عهد خدا آشکار است.

سلیمان کارهای بسیار درستی انجام می‌دهد، اما در موارد عمده‌ای از خدا نافرمانی می‌کند و این منجر به تقسیم پادشاهی به پادشاهی‌های شمال اسرائیل و جنوب یهودا می‌شود. خداوند پیامبران زیادی را می‌فرستد تا مردم را به وفاداری به عهد دعوت کنند. آنها قوم خود را از داوری که در صورت توبه نکردن از گناهانشان و روی آوردن به خداوند فرا خواهد رسید، هشدار می‌دهند.

با این وجود، مردم بارها علیه او و پیامبرانش شورش می‌کنند. در پاسخ، او پادشاهی شمالی متشکل از ده قبیله را در سال ۷۲۲ قبل از میلاد به اسارت آشور و پادشاهی جنوبی متشکل از دو قبیله، یهودا و بنیامین، را در سال ۵۸۶ قبل از میلاد به اسارت بابل می‌فرستد. خداوند همچنین از طریق پیامبران وعده می‌دهد که یک نجات‌دهنده بفرستد.

اشعیا ۹:۶ و ۷، اشعیا ۵۲:۱۳ تا ۵۳:۱۲ متونی نمونه هستند. خداوند وعده می‌دهد که قوم خود را پس از ۷۰ سال از اسارت بابل به سرزمینشان بازگرداند. اجازه دهید فقط از من و کشیشم، ون لیز، که کتاب «عیسی در پیشگویی، چگونه زندگی مسیح پیشگویی‌های کتاب مقدس را محقق می‌کند» را نوشته‌ایم، نام ببرم.

مخاطبان او جویندگان و مسیحیان جدید هستند. من فقط می‌خواستم وجود آن عیسی را در پیشگویی لیز و پترسون به شما اطلاع دهم. خداوند وعده می‌دهد که قوم خود را پس از ۷۰ سال از اسارت بابل به سرزمینشان بازگرداند، ارمیا ۱۱:۲۵ و ۱۲، و او ما را در زمان عزرا و نحمیا به ارمغان می‌آورد.

مردم دیوارهای اورشلیم را بازسازی کردند و معبد دوم را ساختند، با این حال عهد عتیق با ادامه رویگردانی قوم خدا از او به پایان می‌رسد. در کتاب ملاکی، از این موضوع مطلع می‌شویم. پس از ۴۰۰ سال، خدا پسر خود را به عنوان مسیح موعود، بنده رنج کشیده، پادشاه اسرائیل و ناجی جهان می‌فرستد.

پسر خدا از یک باکره باردار می‌شود و کاملاً انسان می‌شود. به مرور زمان، عیسی غسل تعمید می‌گیرد، با موفقیت و سوسه شیطان را در بیابان شکست می‌دهد و به عنوان مسیح اعلام می‌شود. عیسی ۱۲ شاگرد را به عنوان رهبران جدید جامعه مسیحایی خود انتخاب و روی آنها سرمایه‌گذاری می‌کند.

او درباره پادشاهی خدا و اینکه حکومت خدا در عیسی، مسیح، آمده است، تعلیم می‌دهد. او این را با پیروان راندن دیوها، انجام معجزات و موعظه بشارت به فقرا نشان می‌دهد. عیسی کاملاً از اراده و نقشه خدا پیروی می‌کند، حتی بدون گناه

او مورد علاقه بسیاری است اما رهبران مذهبی و سیاسی یهود با او مخالفند. او نه تنها با تصور آنها از مسیح مطابقت ندارد، بلکه غرور، اعتقادات و سنت‌های آنها را نیز تضعیف می‌کند. مخالفت‌ها با محکوم شدن عیسی توسط شورای عالی یهود در یک محاکمه غیرقانونی افزایش می‌یابد.

از آنجا که ملت توسط امپراتوری روم اشغال شده بود، رهبران باید عیسی را نزد دشمن سرسخت خود، پونتیوس پیلاطس، که عیسی را بی‌گناه می‌دانست، بفرستند. با این حال، تحت فشار رهبران و پادشاهان یهود، پیلاطس به هر حال عیسی را مصلوب می‌کند. عیسی، آن بی‌گناه، آن عادل، بر روی صلیب می‌میرد.

از دیدگاه انسانی، عیسی به عنوان قربانی در این عمل شنیع و شیطانی جان خود را از دست می‌دهد. با این حال، داستان کتاب مقدس تأکید می‌کند که این مرگ بخشی از نقشه ابدی خدا برای نجات گناهکاران است. مأموریت عیسی جستجو و نجات گمشدگان است و او در انجام این کار کوتاهی نمی‌کند.

عیسی گناهکاران را به عنوان جایگزین، پیروز، قربانی، آدم جدید، نجات‌دهنده و صلح‌دهنده یا آشتی‌دهنده نجات می‌دهد. به طرز باورنکردنی، عیسی نه تنها گناه جهان را بر روی صلیب به دوش می‌کشد، بلکه سه روز بعد از مرگ نیز زنده می‌شود. سه روز بعد، در مکان‌ها، موقعیت‌ها و گروه‌های مختلف، بیش از ۵۰۰ نفر شاهد رستاخیز عیسی بودند.

او از طریق رستاخیزش، هویت خود را تأیید می‌کند، گناه و مرگ را شکست می‌دهد، به قوم خود زندگی جدیدی می‌بخشد و پیش‌زمینه‌ای از رستاخیز آینده آنها را فراهم می‌کند. عیسی به شاگردانش دستور می‌دهد که انجیل را به همه ملت‌ها برسانند تا وعده خدا به ابراهیم مبنی بر برکت دادن همه ملت‌ها از طریق او را محقق کنند. شاگردان او باید شاگردان دیگران را تربیت کنند، که سپس شاگردان دیگران را تربیت خواهند کرد.

در روز پنطیکاست، عیسی روح خود را می‌فرستد که کلیسا را به عنوان قوم عهد جدید خدا تشکیل می‌دهد. این روح به کلیسا قدرت می‌دهد تا در میان ملت‌ها به مسیح شهادت دهد. کلیسای اولیه خود را وقف تعلیم رسولان، مشارکت، شکستن نان و دعا می‌کند، اعمال رسولان ۲:۴۲. کلیسای اولیه درگیر بشارت است، آیات ۳۸ تا ۴۱، و انجیل را با کسانی که مسیح را به عنوان وسیله نجات نمی‌شناسند، به اشتراک می‌گذارد.

کلیسا به شاگردی متعهد است و به مؤمنان نحوه پیروی از عیسی را به عنوان یک روش زندگی آموزش می‌دهد. کلیسا به رفاقت اختصاص دارد. به رفاقت اختصاص دارد، آیات ۴۲ تا ۴۷، به مشارکت در زندگی، شناخت یکدیگر، عشق ورزیدن به یکدیگر.

کلیسا همچنین در خدمت (آیات ۴۲ تا ۴۶)، دعا برای یکدیگر، بخشش به یکدیگر و برآوردن نیازهای یکدیگر، مشارکت دارد. کلیسا در پرستش (آیه ۴۶)، ستایش خدا، جلسات عمومی و آموزش خصوصی، دعا، بخشش و مشارکت با یکدیگر فعال است. کلیسا رشد می‌کند و با آزار و اذیت روبرو می‌شود، اما انجیل به حرکت خود ادامه می‌دهد.

برخی از یهودیان و بسیاری از غیریهودیان به مسیح ایمان می‌آورند. کلیساها بنا می‌شوند و این چرخه ادامه می‌یابد. در طول مسیر، کلیساها آموزه‌های صحیح را آموزش می‌دهند، اشتباهات را اصلاح می‌کنند و مؤمنان را به زندگی در عشق، وحدت، تقدس و حقیقت فرا می‌خوانند.

رسولانی مانند پطرس و پولس نیز در مورد نجات تعلیم می‌دهند. آنها در مورد آن تعلیم می‌دهند. پدر نجات را برنامه‌ریزی کرده است، پسر آن را به انجام می‌رساند، و روح‌القدس آن را برای همه کسانی که به مسیح ایمان دارند، اعمال می‌کند.

خدا مؤمنان را انتخاب می‌کند، فرا می‌خواند و در مسیح به آنها زندگی تازه می‌بخشد. خدا همه کسانی را که به مسیح ایمان دارند می‌بخشد، عادل اعلام می‌کند و به خانواده خود می‌پیوندد. خدا قوم خود را در مسیح مقدس می‌سازد و سرانجام همه کسانی را که او را می‌شناسند، جلال خواهد داد.

خداوند از روی عشق سخاوتمندانه خود و برای جلال خود نجات می‌دهد. کمال، خلقت، سقوط، رستگاری، کمال. عیسی، کمال.

عیسی کاری را که آغاز کرده است به پایان خواهد رساند. او به عنوان پادشاه باز خواهد گشت تا سلطنت کند و عدالت، صلح، شادی و پیروزی را به ارمغان بیاورد. پادشاهی، سلطنت خدا بر قومش از طریق عیسی پادشاه است.

پادشاهی هم واقعیتی در زمان حال است و هم وعده‌ای در آینده که به ظهور مجدد مسیح گره خورده است. عیسی پادشاهی را در مراحل محقق می‌کند. این پادشاهی در رسالت عمومی او، با تعلیم، انجام معجزات و اخراج شیاطین، آغاز می‌شود.

متی ۱۳: ۱ تا ۵۰، متی ۱۲: ۲۸. اگر من به وسیله روح خدا دیوها را بیرون می‌کنم، پس پادشاهی خدا در میان شماست. وقتی عیسی به دست راست خدا صعود می‌کند، جایگاه بزرگترین، نه تنها بزرگترین افتخار، بلکه بزرگترین قدرت، پادشاهی گسترش می‌یابد.

افسیان ۱:۲۰ تا ۲۱. و هزاران نفر از طریق موعظه رسولان وارد آن می‌شوند، اعمال رسولان ۲:۴۱ و ۴۷. کمال پادشاهی در انتظار بازگشت عیسی است، زمانی که او بر تخت جلال خود خواهد نشست، متی ۲۵:۳۱.

عیسی جهان را داوری خواهد کرد، مؤمنان را به مرحله نهایی پادشاهی دعوت می‌کند در حالی که کافران را به جهنم تبعید می‌کند، متی ۲۵:۳۴ و ۴۱. و از همه مهمتر، می‌توانم آیه ۴۶ را اضافه کنم. متی ۲۵:۴۶، مهمترین آیه در کتاب مقدس.

از نظر تاریخی، ثابت شده است که در مورد سرنوشت‌های ابدی نیز چنین است. متن کلاسیکی که پایان و حقایق مرتبط با آن را به تصویر می‌کشد، مکاشفه ۲۰ تا ۲۲ است. همانطور که پیدایش ۱ و ۲ نشان می‌دهد که داستان با خلقت آسمان‌ها و زمین توسط خدا آغاز می‌شود، مکاشفه ۲۰ تا ۲۲ نشان می‌دهد که با خلقت آسمان و زمین جدید توسط خدا پایان می‌یابد.

داستان با نیکی خلقت آغاز می‌شود و با نیکی خلقت جدید پایان می‌یابد. داستان با سکونت خدا با قومش در یک معبد باغ آغاز می‌شود و با سکونت خدا با قوم پیمان‌ش در بهشت، یک معبد باغ شهری جدید در زمین پایان می‌یابد. یک بار برای همیشه، پیروزی خدا به کمال می‌رسد.

جلال خدا بی‌حد و حصر است. گناه محو شده، از بین رفته و محو شده است. عدالت پیروز است.

تقدس غالب است. جلال خدا بی‌مانع است و پادشاهی به طور کامل تحقق یافته است. طرح ابدی خدا برای آشتی کیهانی در مسیح به واقعیت پیوسته و خدا همه چیز در همه چیز است، اول قرن‌تین ۱۵.

به عنوان بخشی از پیروزی خود، خداوند شیطان و شیاطینش را به دریاچه آتش انداخت، جایی که آنها نابود نمی‌شوند، بلکه، به نقل از مکاشفه ۱۰:۲۰، شبانه‌روز تا ابد عذاب می‌کشند. بدین ترتیب شیطان و شیاطین مجازات سزاوار خود را که پایانی نخواهد داشت، دریافت می‌کنند. سپس خداوند همه را داوری می‌کند: کسانی که دنیا آنها را مهم می‌داند، کسانی که دنیا هرگز به آنها توجه نمی‌کند، و همه کسانی که در این بین قرار دارند.

نقل قول: هر کسی که نامش در کتاب حیات نوشته نشده بود، به دریاچه آتش افکنده شد، مکاشفه ۲۰، ۱۵. خدا فقط امپراتوران بی‌رحم روم را به جهنم نمی‌فرستد، آنطور که ما انتظار داریم. او همه کسانی را که قوم عیسی نیستند، به جهنم می‌فرستد.

دانیال ۱:۱۲، مکاشفه ۸:۱۳، مکاشفه ۲۱:۱۳، ببخشید، ۸:۲۱، و ۲۷ را مقایسه کنید. به طرز باشکوهی آسمان‌های جدید و زمین جدید از راه می‌رسند، و خدا با قوم عهد خود ساکن می‌شود، مکاشفه ۳:۲۱، و ۷. او برای آنها تسلی می‌آورد، و دیگر درد، مرگ و غیره وجود نخواهد داشت. آیه ۴، همه چیز را نو می‌کند و اعلام می‌کند که این کار انجام شده است.

سپس بهشت به عنوان یک معبد کامل، باشکوه، چندملیتی و مقدس به تصویر کشیده می‌شود. قوم خدا به درستی تصویر خدا را دارند، به او خدمت می‌کنند، با او سلطنت می‌کنند، مستقیماً با او ملاقات می‌کنند و او را می‌پرستند، مکاشفه ۲۲: ۱ تا ۵. خدا پرستشی را که شایسته اوست، دریافت می‌کند و انسان‌ها به طور غیرقابل توصیفی برکت می‌یابند و سرانجام به کامل‌ترین واقعیت‌های آفریده شدن به تصویر او دست می‌یابند. بدین ترتیب اولین سخنرانی به پایان می‌رسد.

ما به معرفی آموزه نجات خواهیم پرداخت. در جلسه بعدی به آن خواهیم پرداخت و خلاصه‌ای از مسیری که قرار است از آنجا برویم ارائه خواهیم داد.

این دکتر رابرت پترسون در آموزه‌هایش در مورد نجات است. این جلسه اول، مقدمه است.